

باز خواهم گشت

نویسنده: ندا ترابی (لکا)



تشخیص مه‌امخ زب

سرشناسه : ترابی، زنا، ۱۳۸۸
عنوان و نام پدیدآور: بررسی و راهم گشت / : یسنده ندا ترابی (لکا).
مشخصات نشر : تهران: انتشارات انور هوگو، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری : ۲۰۷ ص. ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۱۲۱-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع : Persian fiction -- ۲۰th century
رده بندی کنگره : PIRV۹۹۴
رده بندی دیوبی : ۸۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۶۰۰۱۸۳۶



انتشارات ویکتور هوگو

تهرانپارس - چهارراه تیرانداز - پلاک ۱۱۶ تلفن: ۷۷۷۰۵۹۴۲

www.victorhugopub.com

instagram : amozesh_dastannevisi_hugo

victor_hugo_publisher@yahoo.com

عنوان : باز خواهیم گشت

نویسنده : ندا ترابی (لکا)

نوبت چاپ : اول ۱۳۹۸

چاپ و صحافی : گاندی

تیراژ : ۵۰۰ نسخه

صفحه آرای و اجرای جلد : گروه هنری هوگو

شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۴۱۲۱-۷

« حق چاپ برای نشر ویکتور هوگو محفوظ است »

قیمت : ۳۳۰۰۰ تومان

مقدمه

در سال ۱۳۸۰ فیلمنامه ای سینمایی نوشتم به نام آخوَرین که در بنیاد سینمایی فارابی مورد تایید قرار گرفت. اما نبود بودجه امکان ساخت آن را محقق نساخت بناچار رهايش کردم. بعدها این فیلمنامه الهام بخش لکا شد برای تماشای رمان "باز خواهیم گشت"

از سال ۱۳۸۰ تاکنون جهان و ایران تغییرات بسیاری را شاهد بوده است. خصوصاً در قلمرو فناوری اما کویر همان کویر است، سوزان و بی حیات و مردم کویر همین سوزان بی رحمی طبیعت کویر که آن را به دشوارترین نقاط جهان برای زندگی بدل ساخته است، چاره ای جز قبول شرایط کویر و زندگی سخت در آن را ندارند.

مبارزه میان مرگ و زندگی را به تعبیر صحیح تر، بقا در هر کجای این کره خاکی مشهود است. اما در کویر نشینان به این شرایط سخت تن می دهند و همچنان در آنجا می مانند. فقط یک دلیل وجود دارد.

آنها نیز مانند دیگر مردمان این سرزمین به زادگاه خود عشق می ورزند، به جایی که در آن چشم گشوده و رشد کرده اند. این دل بستگی به زادگاه که در زمره شگفت انگیزترین دل بستگی های بشری است سبب می شود تمام کویر نشینان در زادگاه خود بمانند و به زندگی در آن هر چند سخت و طاقت فرسا ادامه دهند. همانند کویر نشینان لیبی، گنی، اریتریا... چنین بوده و خواهد بود. به راحتی نمی توان زادگاه خویش را رها کرد یا هر کدام از ما می توانیم از زادگاه خویش دل بکنیم؟ بسیاری از مردم، خواص مردم عادی، خواه از بزرگان، اگر مرگ به آنها فرصت داده باشد تا آخرین خواسته خود را بیان کنند، تدفین در خاک زادگاه شان بوده است. اگر بخواهم نام ببرم، صفحات بسیاری را باید به نام این اشخاص اختصاص دهم. همان گونه که شخصیت معلم داستان، در شعر دلفریب و فراموش نشدنی خود، چنین می سرايد :

کویر محبوب من
 چه سان تو را ترک کنم
 جان من در توست
 کودکی من، جوانی من
 و عشق من در توست
 تو همچون تاری تنیده در پود من
 زادگاه من اینجا است
 ماد، در اینجا مرا شیر داد
 مردم من، در اینجا راه برد
 در اینجا شب من پرستاره بود
 از میان لوف، ها خبر کردم
 و زیر خورشید پروران
 در جست و جوی آب و آینه ای به واحه دیگر ره سپردم
 به هنگام تشنگی در آتش تو بودم
 ای کویر محبوب، تو هر چند پریشان باشی
 از عشق من به خودت سوزان تر نیستی
 من همیشه کنارت خواهم ماند
 حتی اگر گور مرا زیر شن هایت پنهان کنی

و این شعر در جان و روح قهرمان داستان چنان اثر می گذارد که به
 زادگاه خویش بازمی گردد. او هرگز قادر به رها کردن زادگاهش نیست
 و آن را با هیچ کجای دنیا عوض نمی کند چرا که تمام وجود او آنجا است.
 امیدوارم روزی برسد و عنایت پروردگار شامل حال من گردد و بتوانم فیلمی
 از روی این رمان بسازم.

کاظم سلطانی (لکیامیم)

۱۳۹۸/۹/۲۲